

اول ماه مه و جنبش کارگری

آفتاب اول ماه مه در آستانه طلوع است. طلوعی که امسال نیز همدان سالهای پیش نه بر سینه فجر پیکار سرخ پرولتاریا که از پشت قله سیاه توحش، یکه تازی و بربرمنشی هار سرمایه جهانی، بسیار جستجوگر و پراسان بر صحنه حیات بشر چهره میکشد. طلوعی آکنده از پیام، پرسش و حیرت، چرخنده در مدار تفکر و افت و خیز جنبش میلیاردها کارگر پیرامون این سوال اساسی که بالاخره تکلیف زندگی و زنده ماندن خود را با اختاپوس وحشت سرمایه چگونه؟ کی و در کجا؟ تعیین میکنند؟ طلوعی که جنبش کارگری جهانی و فعالین کمونیست این جنبش را به خواندن کارنامه پیکار خویش در یکسال گذشته فرا میخواند. سرمایه چه کرده است؟ و آنان چه کرده اند؟ سرنوشت جبهه های جنگ چگونه ورق خورده است، کدام طبقه به پیش تاخته است و کدام شکست خورده است؟. کدام سنگرها سقوط کرده است و کدام تسخیر گردیده است؟ چه امکاناتی از دست رفته است؟ و چه موقعیتهائی بدست آمده است؟ اینها و فراوان سوال دیگر از این دست موضوع گفتمان اول ماه مه برای جنبش کارگری جهانی است. سوالاتی که همه جا در احاطه پاسخهائی تلخ و گزارشاتی ملال آور قرار دارد. سال گذشته همدان سالهای پیش جریان تازش بی مهار سرمایه در تعمیق استثمار توده های کارگر، تحکیم بند بردگی مزدی بر دست و پای کارگران دنیا، فشار سهمگین تر گرسنگی، بی مسکنی، بی آموزشی، بی بهداشتی و همه مصائب دیگر سرمایه داری بر زندگی فروشنندگان نیروی کار، سال دهمنشانه ترین جنگ افروزیهای نظام کاپیتالیستی علیه گرسنه ترین، مفلوک ترین و بی پناه ترین بخش کارگران، قتل عامهای بیحساب کودکان، زنان، پیران، فزونی ثانیه به ثانیه شمار کودکان خیابانی، توسعه بیکران بازارهای سیاه سکس و فحشاء، جایگزینی افزونتر و افزونتر غذا توسط مواد مخدر، پوشاک توسط گلوله، مسکن، توسط میدانهای مین، سال گسترش بی امان همه اشکال وحشیگری و جنایت و درندگی نظام کاپیتالیستی بود. زندگی سیاه میلیونها کارگر نفرین شده در سرزمین افغانستان، گورهای دستجمعی چندین هزار کودک و پیر و جوان فلسطینی، مرگ و میر میلیونی کارگران افریقا، تنزل لحظه به لحظه سطح معیشت، بهداشت، آموزش و رفاه کارگر اروپای غربی، اجساد دفن شده دهها هزار کارگر آواره در ژرفنای تیره دریاها، بیکاری چند صد میلیونی کارگران در چهارگوشه کیتی، سیر تصاعدی شمار کارگران زندانی به جرم مطالبه ابتدائی ترین حقوق انسانی در تمامی کشورها، کثرت بیسابقه شمار زندانیان سیاسی کارگر در سیاهچالهای دموکراسی شمال و غرب اروپا، فضای سراسر رعب، وحشت، دستگیری، شکنجه و کشتار در امریکا، سقوط چند میلیون کارگر ایرانی از هستی، تشدید بیحقوقی و استثمار همه بخشهای طبقه کارگر دنیا گویای سرنوشت زندگی بشر در زیر تازیانه تاخت و تاز سرمایه علیه طبقه کارگر در طول سال گذشته بود.

بورژوازی جهانی در طول این سال با استمداد لحظه به لحظه از تمامی اشکال این جنایات کوشید تا کلیه بار بحران را بر کرده طبقه کارگر بین المللی بار کند. با فشار حداکثر بر سطح معیشت کارگران، با بیکارسازی میلیونی و راندن بیکاران به دوزخ سیاه گرسنگی، با کاهش حداکثر امکانات بهداشتی، درمانی و آموزشی، با راه انداختن جنگهای بشردستیز منطقه ای و با همه یورشها و تعرضات وحشیانه دیگر، آخرین ته مانده های نان، دارو و سرپناه انسانها را به سود سرمایه تبدیل کرد. طبقه سرمایه دار جهانی و دولتهای کاپیتالیستی در سراسر دنیا برای تحمیل این سیه روزیها بر توده های کارگر کشورها بیشترین "وفاق" نامقدس طبقاتی را بنمایش گذاشتند و ریز و درشت، دموکرات و هار، مذهبی و لائیک در برابر طبقه کارگر بین المللی جبهه واحدی از سعیت و انسان ستیزی را سازمان دادند.

در سال ۲۰۰۱ سرمایه جهانی به رغم اعمال تمامی این توحشها و تشدید هر چه سبعانه تر استثمار نیروی کار، باز هم بیش از پیش در ژرفنای بحران فرو شد. افزایش خیره کننده نرخ اضافه ارزشها به بهای کاهش دهشتبار دستمزدها قادر به جلوگیری از سقوط بالفعل نرخ سودها در عظیم ترین قلمروهای انباشت سرمایه جهانی نشد. تنزل بهای سهام فقط یک انحصار عظیم T I از ۱۸۰۰ میلیارد کرون در مارس ۲۰۰۰ به ۲۲۰ میلیارد کرون در آوریل ۲۰۰۲، افت عمیق نرخ سود سایر انحصارات بزرگ این رشته در ماههای گذشته و در سطح بین المللی، ورشکستگی برخی از بزرگترین و پرسابقه ترین غولهای صنعتی در عرصه های دیگر همه و همه شواهد زنده حدت یابی هر چه ژرفتر بحران در پروسه بازتولید سرمایه جهانی بود. پدیده ای که بورژوازی مصمم است تا به هوای حصول کمترین بهبودی در آن، باز هم آخرین ته مانده های معیشتی توده های کارگر دنیا را به بیرحمانه ترین شکلی مثله کند و آماج تاخت و تاز قرار دهد.

از سنگر توحش بورژوازی به جبهه مقابل، به جنبش طبقه کارگر بین المللی و آرایش قوای توده های کارگر در برابر بورژوازی گذر کنیم. سال گذشته سال وقوع پاره ای حوادث امید بخش در عرصه تقابل طبقه کارگر با سرمایه جهانی بود.

خروش سیل آسا و خشمگین صدها هزار کارگر جوان و پیر، زن و مرد، شاغل و بیکار از سراسر جهان در شهرهای بروکسل، گوتنبرگ، نیس، جنوا، بارسلون و جاهای دیگر با شعارهای ضدکاپیتالیستی در برابر اجلاس پیرکرکسان نظم سرمایه اشعه ای ولو کم فروغ را بر برهوت ظلمت و دهشت سرمایه داری فرو تاباند. تظاهرات ۱۲ میلیون کارگر ایتالیایی در خیابانهای شهرهای بزرگ این کشور علیه سیاستهای جنایتکارانه ضد کارگری دولت وقت، اعتصابات گسترده کارگران کره جنوبی علیه تعرضات وحشیانه نئولیبرالی بورژوازی، اعتراض نسبتاً وسیع کارگران دنیا در مقابله با جنگ افروزیهای سران دژخیم وال استریت در افغانستان، خروش خشم صدها هزار کارگر دنیا علیه حمام خونها، نسل کشیها و حملات بربرمنشانه اسرائیل به مردم بی پناه فلسطین و نظائر اینها نیز هر کدام برگ روشنی در تقویم تاریخ سال گذشته جنبش کارگری بود. آنچه اشاره شد سیمای عام زندگی بشر در آستانه ماه مه سال ۲۰۰۲ و تصویری از سطح اعتراض توده های کارگر دنیا علیه این وضع است. وضعیتی که دو پرسش بسیار اساسی را در پیش روی طبقه کارگر بین المللی قرار میدهد.

سؤال اول اینکه آیا طبقه کارگر با سطح موجود مبارزه و صف آرایی کنونی پیکارش از هیچ شانسی برای دیدن روز بهی یا حتی حفظ همین زندگی حاضر رقت بار خود با همه فقر، فلاکت، گرسنگی، آوارگی، بی بهداشتی، بی آموزشی و سیه روزیهای دامنگیرش بر خوردار است؟ و دوم اینکه اگر پاسخ سؤال بالا منفی است در این صورت چه راهی در پیش رویش قرار میگیرد؟ تمامی شواهد با بیشترین صراحت ممکن به پرسش اول قاطعانه نه میگوید. نوعی نه، که در قلمرو آناتومی مارکسی اقتصاد کاپیتالیستی با سلسله جبال عظیمی از استدلال تئوریک پشتیبانی می شود اما برای فهم درستی این جواب منفی شاید نیاز بسیار زیادی به پژوهش نباشد. کدام بخش از طبقه کارگر در کدام گوشه جهان حاضر می تواند ادعا کند که سطح معیشت و امکانات اجتماعی اش هر سال از سال پیش بدتر و غیرقابل تحمل تر نشده است؟ کدام انسان عاقل میتواند در افزایش روز به روز شمار بیکاران تردید کند؟ چه کسی می تواند آمار جانخراش فزونی بی امان شمار مرگ و میر ناشی از گرسنگی و بی دارونی کودکان دنیا را انکار نماید؟ اجبار به تن فروشی بعنوان تنها وسیله امرار معاش صدها میلیون سکنه کره زمین در طول چند سال گذشته و گسترش دقیقه به دقیقه آن در شش گوشه دنیا از جانب کدام فرد ذیشعور میتواند مورد شک واقع شود؟ افزایش غول آسای شمار زن و کودک و پیر و جوان آواره در سرتاسر جهان رعشه بر اندام کدام انسان با وجدان نمایندازد؟ چه کسی میتواند منحنی توسعه فقر را در این گوشه و آن گوشه دنیا بنمایش گذارد و همزمان تمامی ارکان وجودش غرق در وحشت نگردد؟ تاریخ سالهای اخیر، تاریخ سقوط هر چه پرشتابتر و سهمگینتر اکثریت بشر در تمامی اشکال فلاکت و سیه روزی است و این روند شتابناک سقوط از هستی بر متن شرائطی رخ داده است که فضای زندگانی بشر از گسترش انباشت سرمایه بشدت دم کرده است. محصول سالیانه کار و تولید توده های کارگر بگونه ای نجومی افزایش یافته است. بارآوری کار اجتماعی با نرخهای افسانه ای و کوه پیکر دچار فزونی شده است. همه اینها با رساتیرین صدا بر سر بشریت فریاد میکشد که از هیچ شانسی برای ادامه زندگی در سیطره نظام کاپیتالیستی حتی به شیوه رقت بار و دردناک کنونی برخوردار نیست. سؤال بعدی برای هر کارگر در هر گوشه دنیا این است که چه باید کرد؟ در اینجا نیز پاسخ کاملاً روشن است. نظام سرمایه داری زیر فشار تناقضات سهمگین درونی اش در حال انفجار است. انفجاری که در غیاب جنبش نیرومند لغو کار مزدی، در غیاب تدارک سراسری پرولتاریای کشورها و پرولتاریای بین المللی برای جایگزینی سرمایه داری توسط سوسیالیسم، در غیاب طرح بدیل عاجل و حی و حاضر کمونیستی توسط طبقه کارگر، در غیاب تحزب و سازمانیابی شورائی توده های کارگر دنیا برای استقرار کمونیسم هیچ بهبودی را در آینده زندگی بشر نوید نمیدهد. با مبارزه علیه این یا آن سیاست بانگ جهانی، علیه این یا آن طرح صندوق بین المللی پول، علیه این یا آن شگرد سازمان تجارت جهانی، با شعارهای خشک و خالی ضد کاپیتالیستی، با مجرد مبارزه علیه این یا آن رفرم ارتجاعی دولتهای بورژوائی هیچ چندانانی از زندگی مردم کارگر دنیا گشوده نمی شود. سازمان دادن جنبش لغو کار مزدی، طرح بدیل کمونیستی پرولتاریا در مقابل عینیت موجود کاپیتالیستی، طرح راه های کمونیستی در مقابل راه حل های بورژوائی در کلیه عرصه های حیات اجتماعی، مبارزه سازمان یافته کمونیستی در تمامی میدانی علیه سرمایه داری و بالاخره پایان دادن به بود و بقای کار مزدی تنها راهی است که بشریت کارگر و فرودست برای رهائی از مصائب و سیه روزیهای موجود در پیش روی دارد. پس:

بیاپید اول ماه مه را به سرآغاز خیرشی نوین برای سازمان دادن جنبش لغو کار مزدی و توسعه جنبش شورائی و کمونیستی کارگران به تمامی مراکز کار و تولید در سرتاسر دنیا مبدل سازیم.

بیایید تا در مقابل کلیه راه‌های مسلط یا اپوزیسیون نمایانه بورژوازی، سوسیالیسم راستین خویش را در قالب یک برنامه جامع الاطراف اقتصادی و یک سازمان کار و مدنیت کنکرت گسسته از کار مزدوری بر سر دولتها و بانیان تبهکار نظام انسان ستیز سرمایه داری فرو کوبیم.

بیائید تا سندیکالیسم و رفرمیسم را از هر نوعی که باشد مسالمت، جویانه یا میلیتانت به بایگانی تاریخ بسپاریم، بجای درخواست دستمزد بیشتر و حق تشکل از دولتهای سرمایه داری جنبش توفنده تعرض علیه اساس مالکیت خصوصی و کار مزدوری را سازمان دهیم. با برپاتی شوراهای کارگری و تحزب راستین کمونیستی نیروی عظیم طبقاتی و بین‌المللی مان را در عرصه پیکاری تاریخی و سرنوشت ساز برای رهائی کل بشریت از شر تمامی فجایع و سیه روزی جامعه کاپیتالیستی بنمایش گذاریم.

بیائید تا درفش سرخ انترناسیونالیسم، پرچم پرافتخار کمونیسم و مشعل نیرومند مارکسیسم را در جایگاههای واقعی خود، در پیش‌رویی جنبشهای راستین کمونیستی و کارگری دنیا به اهتزاز در آوریم.

زنده باد اول ماه مه کمونیست امروز